

درس‌هایی سعادت‌بخش از قیام امام حسین علیه السلام برای زائران اربعین

مجتبی حیدری^۱

چکیده

زیارت اربعین امام حسین علیه السلام در روایات رسیده از معصومین علیهم السلام مورد توصیه قرار گرفته است. از سوی دیگر، زیارت امام حسین علیه السلام می‌تواند حاوی درس‌های مهمی برای زندگی انسان‌ها و سعادت ابدی آنان باشد. بر این اساس، برخی از درس‌های زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین را می‌توان در این موارد مورد توجه قرار داد: ۱. حرکت در مسیر قرب خداوند و سعادت واقعی؛ ۲. عمل برای آخرت؛ ۳. مأمور بودن ما به تکلیف نه نتیجه؛ ۴. بی‌اعتنا نبودن به وضعیت جامعه؛ ۵. فرار نکردن از زیر بار وظیفه به دلیل سختی آن؛ ۶. نهراسیدن از افراد و ساز و برگ دشمنان؛ ۷. نگران نشدن از کمی افراد خودی در طی مسیر حق.

کلیدواژه‌ها: زیارت اربعین، اهمیت تکلیف، وظیفه در قبال جامعه، نهراسیدن از دشمنان.

۱. عضو گروه اخلاق و سیره پژوهشکده حج و زیارت.

یکی از عبادات بزرگ که ائمه علیهم السلام در روایات بسیاری به آن سفارش کرده‌اند، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام است. یکی از مهم‌ترین احادیث در این زمینه، فرمایشی از امام حسن عسکری علیه السلام است که فرمود:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْحَمْسِينَ وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَالتَّحْتُمُ فِي الْيَمِينِ وَتَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَالْجَهْرُ بِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۳).

نشانه‌های انسان مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز روزانه (نمازهای واجب و نافله)؛ زیارت اربعین؛ انگشتر به دست راست کردن؛ پیشانی بر خاک نهادن؛ و «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند گفتن.

از این رو بسیاری از شیعیان اهل بیت علیهم السلام همه ساله در ایام اربعین خود را از دورترین نقاط به مرقد مطهر اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌رسانند و آن حضرت را زیارت می‌کنند. آشنایی با قیام و شهادت امام حسین علیه السلام و مصائبی که آن حضرت و اصحاب و خاندانش در این راه متحمل شدند، دل افراد را به درد می‌آورد و بی‌اختیار اشک را بر دیدگان آنان جاری می‌سازد. این امر را می‌توان ناشی از دو چیز دانست: عظمت مصیبت آن حضرت، و قرار داشتن محبت امام حسین علیه السلام در عمق وجود مؤمنان به گونه‌ای که دل آنان با یاد و نام آن حضرت به لرزه می‌افتد و اشکشان سرازیر می‌شود. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله امام حسین علیه السلام را دید که به سوی او می‌آید؛ پس او را در دامان خود نشاناند و فرمود: «إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا»؛ «همانا برای کشته شدن حسین علیه السلام شور و حرارتی در دل‌های مؤمنان است که هیچ‌گاه سرد و خاموش نمی‌شود». امام صادق علیه السلام سپس فرمود: پدرم فدای کشته هر اشکی. کسی پرسید: «کشته هر اشکی» یعنی چه؟ فرمود: هیچ مؤمنی آن حضرت را یاد نمی‌کند مگر آنکه [در غم مصیبت او] می‌گرید (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۱۸).

به علاوه، امام حسین علیه السلام الگویی بسیار والاست که همگان را به سوی خود جذب می‌کند. حرکت امام حسین علیه السلام در قیام علیه دستگاه ظلم بنی‌امیه و جهاد و شهادت در راه خدا، برای همه انسان‌های آزاده جهان، بسیار تأثیرگذار و درس‌آموز است. در قیام امام حسین علیه السلام درس‌ها و عبرت‌های بسیاری برای اهل فکر و اندیشه وجود دارد که لازم است مورد توجه قرار گیرد. تا برای تکامل مادی و معنوی افراد و جوامع، ثمربخش باشد. زیارت اربعین آن حضرت، متضمن درس‌هایی است که عمل به آنها می‌تواند سعادت دنیا و آخرت جوامع اسلامی و انسانی را تأمین کند. در ادامه به بیان برخی از مهم‌ترین درس‌های قیام عاشورا برای زائران اربعین امام حسین علیه السلام می‌پردازیم.

۱. حرکت در مسیر قرب خداوند و سعادت واقعی

حضور انسان در این دنیا برای تکامل و نیل به سعادت ابدی است؛ به این صورت که با رفتارهای اختیاری خود در مسیر کمال قدم بردارد و به قرب الهی نائل گردد. بدون حرکت در این مسیر، زندگی انسان پوچ و بی‌معنا خواهد بود و ارزشی نخواهد داشت. از این روست که در دعاهای بسیار می‌خوانیم که ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند می‌خواهند که وصول به خدای متعال و انقطاع از هر آنچه غیر اوست، نصیب ایشان گرداند؛ مثلاً در دعای عرفه می‌خوانیم:

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَأَنْزِ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخِرَّقَ
أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ وَتَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ
(ابن طاوس، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۸۷).

خدایا نهایت انقطاع به سوی خودت را به من عطا کن و چشم‌های قلوب ما را با روشنایی نظرشان به تو، نورانی ساز تا چشم‌های قلوبمان پرده‌های نور را بدرند و به معدن عظمت دست یابند و روح‌های ما به عزت ساحت مقدس تو بیاویزند. امامان معصوم علیهم السلام در رأس حرکت‌کنندگان در مسیر کمال و قرب خداوند قرار دارند. آنان انسان‌های بزرگی هستند که در کنار طی طریق الهی، با دلسوزی برای بندگان خدا آنان را نیز به این مسیر فرامی‌خوانند و به بندگی و اطاعت از دستورهای خداوند توصیه می‌کنند. افزون

بر این، ائمه اطهار علیهم السلام الگوهای بشریت‌اند و عمل آنان می‌تواند و باید سرمشق انسان‌ها قرار گیرد.

عمل امام حسین علیه السلام در قیام و جهاد در راه خدا و شهادت در این مسیر، بدون تردید عبادتی بزرگ بود که ایشان را تا بالاترین درجات کمال نزد خداوند بالا برد و جایگاه آن حضرت را در ملأ‌أعلیٰ قرار داد. آن حضرت با توجه به این مطلب حتی در ساعات سخت روز عاشورا نیز خدا را فراموش نکرده، با او سخن می‌گوید و چنین دعا می‌کند:

صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا رَبَّ سِوَاكَ، وَلَا مَعْبُودَ غَيْرِكَ، صَبْرًا عَلَىٰ حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا دَائِمًا لَا تَفَادَلُهُ، يَا مُجِيبَ الْمَوْتَى، يَا قَائِمًا عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (مقرّم، ۱۳۹۹ق/ ۱۹۷۹م، ص ۲۹۷).

پروردگارا، بر قضا و قدرتت شکیبایی می‌ورزم، معبودی جز تو نیست. ای فریادرس دادخواهان، پروردگاری جز تو، و معبودی غیر از تو برای من نیست. بر حکم تو صبر می‌کنم. ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد، ای همیشه‌ای که پایان‌ناپذیر است، ای زنده‌کننده مردگان، ای برپا دارنده هر کس با آنچه به دست آورده، میان ما و اینان داوری کن که تو بهترین داورانی.

رفتار امام حسین علیه السلام در این زمینه، الگویی است برای همه شیعیان از جمله زائران اربعین تا زندگی خود را در مسیر حرکت به سوی خداوند قرار دهند و مسائل دنیوی و لذت‌های زودگذر، آنان را از پیمودن راه وصول به خداوند باز ندارد.

۲. عمل برای آخرت

می‌دانیم که زندگی انسان در دنیا خلاصه نمی‌شود؛ بلکه همه انسان‌ها پس از پایان حیات خود در این دنیا، وارد دنیایی دیگر می‌شوند و در آنجا نتیجه اعمال خوب و بدی را که در این دنیا انجام داده‌اند، دریافت می‌کنند. از این‌رو نمی‌توان انتظار داشت که انسان‌ها نتیجه کارهای نیک خود را به طور کامل در همین دنیا دریافت کنند و هر چند در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ﴾ (نحل: ۳۰)؛ «برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است»، با این حال می‌دانیم که دریافت نتیجه کامل آنها در همین دنیا امکان‌پذیر نیست. بنابراین یکی از حکمت‌های وجود سرای آخرت این است که انسان‌ها پاداش کارهای نیک یا کیفر کارهای بد خود را، که دریافت آنها در این دنیا ممکن نیست، دریافت دارند. از این رو همواره انسان‌ها باید به وظیفه الهی خود عمل کنند؛ هر چند امکان بهره‌مندی از نتیجه آن در زمان حیاتشان در این دنیا وجود نداشته باشد. عمل برای آخرت است که به کار ارزش می‌دهد و بر تقوای آدمی می‌افزاید. به همین دلیل در ادامه آیه مذکور می‌خوانیم: ﴿... وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعَمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ﴾ (نحل: ۳۰)؛ «و همانا خانه آخرت بهتر است و چه نیکوست خانه پرهیزگاران».

از اینجا به ارزش و جایگاه اقدام امام حسین علیه السلام در قیام و جهاد در راه خدا و شهادت در این راه بیشتر آگاه می‌شویم. آن حضرت، در فضایی قیام و جهاد کرد که هیچ امیدی به نتیجه‌گیری فوری از قیام خود را نداشت. او می‌دانست که خود و بهترین نزدیکانش در این راه به شهادت می‌رسند و امکان پیروزی و به دست گرفتن حکومت برای او وجود ندارد. از سوی دیگر، آن حضرت می‌دانست که قیام و شهادت او پایه‌های حکومت ظالم بنی‌امیه را متزلزل خواهد کرد و اسلام را از نابودی نجات خواهد داد. از این رو امام حسین علیه السلام برای ادای وظیفه‌ای که خداوند بر عهده او گذاشته بود، حاضر شد سخت‌ترین مصائب را به جان بخرد، خون خود و عزیزانش بر زمین ریخته شود و خاندانش به اسارت برده شوند.

۳. ما مأمور به ادای تکلیفیم نه مأمور به نتیجه

شیوه زندگی مؤمنان چنان است که به دنبال ادای تکلیف خود هستند. آنان بر ادای تکلیف و اجرای وظیفه‌ای که خداوند بر عهده آنان گذاشته است، پای می‌فشارند و خود را موظف به نتیجه عمل خود نمی‌دانند. از این رو مهم، شناخت تکلیف با دقت و بصیرت کافی، و سپس عمل به آن است. اینکه در آیات بسیاری از قرآن کریم بر انجام دادن عمل صالح تأکید شده و پاداش‌های بزرگ اخروی به عمل‌کنندگان وعده داده شده است، نشان دهنده آن است که خود انجام دادن عمل صالح، مهم است؛ هر چند در ظاهر به نتیجه مورد نظر دنیوی نرسد؛ مثلاً

در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

هُم فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (اعراف: ۴۲)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند - البته هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کنیم - آنها اهل بهشت‌اند و جاودانه در آن خواهند ماند.

امام خمینی علیه السلام به عنوان پرچمدار اسلام در عصر حاضر، فرمود: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه» (خمینی، ۱۳۷۹ ش، ج ۲۱، ص ۲۸۴). ایشان در پایان جنگ در خصوص پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و ترک مخاصمه با رژیم بعث عراق در پیام خود چنین نوشت:

ما، در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه، فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید نمودند؛ آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است (همانجا).

زیارت اربعین اباعبدالله الحسین علیه السلام یادآور این درس بزرگ آن حضرت به همه انسان‌هاست تا عمل به وظیفه را سرلوحه کارهای خود قرار دهند و نتیجه را به خدا واگذار کنند. آنچه مهم است عمل و اخلاص در آن است. خداوند خود بر اعمال نیک و خالصانه بندگان خود آگاه است و به آنها توجه می‌کند.

۴. بی‌اعتنا نبودن به وضعیت جامعه

هر جامعه‌ای از انسان‌هایی متشکل است که در آن زندگی می‌کنند. وضعیت جامعه می‌تواند

رو به درستی و صلاح باشد یا رو به فساد و تباهی، و این از عملکرد افراد جامعه یا حاکمان آن نشئت می‌گیرد. اسلام علاوه بر وضعیت ایمانی و اخلاقی تک تک افراد جامعه، برای وضعیت کل جامعه نیز اهمیت قائل است؛ برای مثال، تشریح امر به معروف و نهی از منکر، در عین حال که اسباب هدایت افراد را ایجاد می‌کند، زمینه سعادت جامعه را نیز فراهم می‌آورد. پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام مصلحان بزرگ اجتماعی بوده‌اند که برای اصلاح جامعه تلاش کرده‌اند. امام حسین علیه‌السلام نیز آن‌گاه که دید با روی کار آمدن یزید بن معاویه، جامعه اسلامی به سمت فساد و تباهی روی نهاده است، آرام ننشست و برای اصلاح جامعه اقدام کرد. آن حضرت در تبیین علت قیام خود می‌فرماید:

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا
فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۵).
آیا نمی‌نگرید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد؟ با این
وضع، مؤمن باید به لقای خدایش (شهادت) اشتیاق یابد. همانا من مرگ را جز
سعادت، و زندگی با ستمگران را جز ملالت و ناراحتی نمی‌بینم.

زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین یادآور این درس بزرگ به زائران است که باید در
مورد وضعیت جامعه حساس باشند؛ باید مشکلات و ایرادهای آن را به دقت ملاحظه کنند و
برای اصلاح آن بکوشند. نباید به مشکلات جامعه بی‌اعتنا بود و از مفاسدی که در آن روی
می‌دهد و سعادت آن را در معرض خطر قرار داده است، چشم‌پوشی کرد.

نکته دیگر در همین رابطه آنکه اقدام برای اصلاح جامعه و هزینه‌ای که برای آن پرداخت
می‌شود، باید در حد تهدیدی باشد که جامعه و اعضای آن را در معرض خطر قرار داده است.
گاه با سخنرانی و دادن بیانیه می‌توان نتیجه اصلاحی گرفت و گاه لازم است اقدامات مؤثرتری
انجام گیرد و هزینه‌های بیشتری پرداخت شود. آنچه در زمان امام حسین علیه‌السلام رخ داد آن بود
که با گذشت پنجاه سال از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و با روی کار آمدن یزید بن معاویه،
اسلام به طور کلی از مسیر خود خارج شده بود و با تداوم آن وضع، طولی نمی‌کشید که این

دین الهی دچار اضمحلال و نابودی می‌شد. در چنین وضعیتی، هزینه‌ای که برای حفظ اسلام پرداخت می‌شود، بسیار سنگین است و حتی جهاد و کشته شدن در راه خدا را نیز شامل می‌شود. البته پاداش این عمل نزد خداوند محفوظ است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه: ۱۱۱)

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرده، که [در برابرش] بهشت برای آنان باشد، [به این گونه که] در راه خدا بیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ این وعده حقیقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟ اکنون بشارت باد بر شما به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ.

مجاهدانی که در راه حفظ کیان اسلام جهاد می‌کنند و با وجود آنکه می‌دانند ممکن است در این راه جان خود را نیز از دست بدهند به این کار اقدام می‌کنند، بر ارزش کار خود واقف‌اند. امام حسین علیه السلام نیز که موجودیت اسلام را در خطر دید، حاضر شد برای رفع خطر از اسلام، بالاترین هزینه ممکن را بپردازد. او در این راه، جان خود و بهترین عزیزان و یارانش را فدا کرد و خاندانش به اسارت رفتند. بدون این کار، امام حسین علیه السلام و اصحاب و یارانش هر قدر هم برای اصلاح امور تلاش می‌کردند، نتیجه لازم را نمی‌گرفتند. از این رو آن حضرت با این اقدام، این درس را به مسلمانان داد که گاه برای حفظ اسلام، جان خود و عزیزان چیزی به حساب نمی‌آید و باید فدا شود.

۵. فرار نکردن از زیر بار وظیفه به دلیل سختی آن

وظایفی که بر عهده انسان قرار می‌گیرند، برخی سهل و آسان، و برخی دیگر دشوار و پرزحمت‌اند. غالب افراد، وظایف سهل و آسان را انجام می‌دهند و از زیر بار آن فرار نمی‌کنند؛

اما درباره وظایف دشوار قضیه تا حدودی متفاوت است؛ برای مثال، جهاد در راه خدا با کشته شدن یا معلولیت احتمالی همراه است؛ علاوه بر آنکه می‌تواند با جدایی از عزیزان همراه باشد. در این موقعیت‌هاست که مرتبه ایمان افراد مشخص، و همت افراد در تکامل معنوی و قرب الهی آشکار می‌شود. شهید چمران می‌گوید: «وقتی شیپور جنگ نواخته شد، شناختن مرد از نامرد آسان می‌شود». مشخص است که ادای وظیفه در این موقعیت‌ها دشوار می‌گردد و بسیاری را در انجام دادن آن به تردید می‌اندازد. در این حال، برخی برای ترک وظیفه و در عین حال، رهایی از عذاب وجدان، کوتاهی خود را توجیه می‌کنند؛ مثلاً اهمیت بیشتر عمل به وظیفه در قبال همسر و فرزندان، یا بی‌فایده بودن عمل خود را مطرح می‌کنند؛ برخی هم ناتوانی و بیماری خود را بهانه قرار می‌دهند. با این حال، همه این افراد در عمق وجود خود به خوبی می‌دانند که این توجیها، تنها بهانه‌هایی است برای فرار از وظیفه به دلیل دل بستن به دنیا و امور دنیوی. خداوند در قرآن کریم به این افراد هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (توبه: ۲۴)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و اموالی که به دست آورده‌اید و تجارتي که از کساد شدنش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن علاقه دارید در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند، و خداوند جمعیت نافرمان را هدایت نمی‌کند.

نداشتن یار و یاور، بی‌وفایی کوفیان، قساوت و بی‌رحمی بنی‌امیه، شکست قطعی اقدام علیه آنان و نتیجه ندادن عمل، تنها بخششی از توجیهای است که امام حسین علیه السلام می‌توانست برای ترک قیام و نشستن در خانه اقامه کند. اما آن حضرت با واقع‌بینی، وظیفه خود را شناخت و ادای تکلیف الهی را با تمام دشواری‌های آن به جان خرید و عزت دنیا و آخرت را نصیب

خود ساخت؛ به گونه‌ای که آن حضرت، مصداق بارز آیات آخر سوره فجر است. در آیات مزبور می‌خوانیم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي *

وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ (فجر: ۲۷ - ۳۰)

ای روح آرام‌یافته، به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تواز او خشنودی و هم او از تو خشنود است؛ پس در سلک بندگانم در آی، و در بهشتم وارد شو.

قیام امام حسین علیه السلام در آن موقعیت سخت و دشوار درسی است برای زائران اربعین که با توجیه و بهانه‌تراشی از زیر بار مسئولیت شانه خالی نکنند؛ چرا که تنها راه سعادت در دنیا و آخرت، ادای تکالیف الهی است.

۶. نهراسیدن از افراد و ساز و برگ دشمنان

از مسائل مهم در مسیر اصلاح جامعه، مقابله با مخالفان و دشمنانی است که از رفتارهای اصلاحی انسان راضی نیستند و می‌خواهند به هر صورت که می‌توانند راه انسان را سد کنند و او را از رسیدن به هدفش باز دارند. این افراد گاه با تبلیغات و وعده‌های دنیوی، افراد بسیاری را به خود جذب می‌کنند و از امکانات مادی فراوانی نیز بهره‌مندند. آنان همچنین با تبلیغات وسیع و پرحجم، خود را بسیار قدرتمند معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که گویا هیچ نیرویی توان مقابله با آنان را ندارد و مبارزه با آنان جز به شکست و نابودی نمی‌انجامد. آنان با این کار، روحیه طرف مقابل را تضعیف می‌کنند و انگیزه مبارزه و ایستادگی در مقابل خود را در او از بین می‌برند. این وضعیت، امید به اصلاح جامعه و برطرف شدن شر دشمنان را روز به روز کم می‌کند.

زمانی که امام حسین علیه السلام تصمیم گرفت علیه دستگاه ظلم بنی‌امیه قیام کند، چنین وضعیتی به شدت حاکم بود. اما آن حضرت، تحت تأثیر آن قرار نگرفتند. معاویه بن ابی‌سفیان و پس از او یزید، با ایجاد حکومت خودکامه و قلع و قمع دشمنان و نیز با تبلیغات وسیع، کاری

کرده بودند که کسی جرئت ایستادگی در مقابل آنان را نداشته باشد. یأس و ناامیدی از اصلاح جامعه سراسر قلمرو اسلامی را فراگرفته بود و خواص جامعه، با وجود آگاهی از وضعیت ناگوار جامعه اسلامی، خود را از اجرای هر گونه حرکت اصلاحی ناتوان می‌دیدند. وضعیت به گونه‌ای بود که حتی دوستان و بستگان امام حسین علیه السلام نیز هنگام اطلاع از تصمیم ایشان برای قیام، بر بی‌وفایی کوفیان، پرخطر بودن این حرکت، بی‌فایده بودن آن و... تأکید می‌کردند و تلاش داشتند آن حضرت را از مسیری که انتخاب کرده‌اند، منصرف کنند. برخی از آنان نیز پیشنهاد به ظاهر خیرخواهانه‌ای (رفتن به سوی یمن به جای عراق) نیز می‌دادند. اما آن حضرت با شناختی که از اوضاع جامعه اسلامی و حاکم آن داشتند، تحت تأثیر این گونه سخنان قرار نگرفتند و حرکت خود را تا آخر ادامه دادند (ر.ک: ابن طاوس، ۱۳۴۸ ش، ص ۶۲ و ۶۳).

۷. نگران نشدن از کمی افراد خودی در طی مسیر حق

یکی از مشکلات در طی مسیر اصلاح جامعه، کمی همراهان و کثرت افراد معارض یا بی‌تفاوت است. این امر می‌تواند از دو جهت ایجاد مشکل کند: یکی آنکه افراد را در درستی مسیری که انتخاب کرده‌اند، به تردید بیندازد؛ چرا که فرد با خود می‌گوید اگر این راه درست است، پس چرا دیگران در آن گام نگذاشته‌اند؛ بلکه مسیر دیگری برگزیده‌اند؟! دوم اینکه فرد با مشاهده کثرت مخالفان و کمی نیروهای خودی، انگیزه‌اش را از دست می‌دهد؛ چرا که احساس می‌کند با این نیروی کم، امکان موفقیت وجود ندارد. اما منابع دینی به هر دو مورد پرداخته و پاسخ داده‌اند. امام علی علیه السلام در پاسخ به شبهه اول می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَا نَدَى
شَبْعَهَا قَصِيرٌ وَجُوعَهَا طَوِيلٌ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۹).

ای مردم، در طی طریق هدایت از کمی اهل حق وحشت نکنید [و در درستی راه خود دچار تردید نشوید]؛ زیرا مردم [از مسیر هدایت فاصله گرفته و] در اطراف سفره‌ای اجتماع کرده‌اند که مدت سیری آن کوتاه، و گرسنگی آن طولانی است.
قرآن کریم نیز در پاسخ به شبهه دوم می‌فرماید:

﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره: ۲۴۹)

چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند، و خداوند با صابران [و استقامت‌کنندگان] است.

بنابراین، کم تعداد بودن تابعان حق نه دلیل بر غلط بودن مسیر است و نه باعث شکست قطعی، و این چیزی است که امام حسین علیه السلام با همه وجود به آن جامه عمل پوشاند. آن حضرت، با وجود کمی اصحاب و یارانش از مسیر خود چشم‌نپوشید و قیام در راه نجات اسلام را رها نکرد؛ چرا که از سویی به درستی راهی که برگزیده بود یقین داشت و از سوی دیگر، می‌دانست که کار او موفق خواهد بود و نهضت او اسلام را از نابودی نجات خواهد داد.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش). اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، انتشارات جهان.
۳. _____ (۱۴۰۹ق). اقبال الأعمال، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۹ش). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. شریف رضی، محمد بن حسین (گردآورنده) (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح)، قم، انتشارات هجرت.
۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). کتاب المزار (مناسک المزار)، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید علیه السلام.
۷. مقررّم، عبدالرزاق (۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م). مقتل الحسین او حدیث کربلاء، بیروت، دار الکتب الإسلامية.
۸. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.